

نقد و بررسی کتاب «نظام آبیاری سنتی در نائین» تألیف جواد صفی نژاد*

محمد علی امامی نائینی



فرصت خوشحال کننده‌ای پیش آمد، با اشتیاقی زائدالوصف کتابی حجیم و تقریباً ۶۰۰ صفحه‌ای را از دست دوستی کریم دریافت داشتم. خوب، معلوم است من نائینی و بسیار نائین دوست که ناگهان چشمم به چنین کتاب پر محتوایی آن هم با عنوان دل انگیز «نظام آبیاری سنتی در نائین» بیفتد، ناباورانه ذوق زده شوم.

آن نائین که دوران دلپذیر خردسالی خویش را در محله‌ی «کلوان» ش و در کوچه‌ی «سکان» ش گذرانده‌ام و آب قنات «ورزجان» ش که از «گودالباغچه»ی خانه‌مان می‌گذشت،^۱ هر روز حیاط ما و حیات ما را صفا می‌داد و از کشخوان «جزیسر» ش جوال‌های گندمش به خانه‌مان می‌آمد و هر هفته «غنچه» و «کلنساء» نامان را در تنور مطبخ آن می‌پختند و از آب قنات «محمدی» آن درخت‌های پسته باغچه‌ای دیگر (باغچه پشت خانه) را آب می‌دادند. و از آب قنات‌های مزارع کوهستانی آن که آب انبارهای شهر را پر کرده بود، آب شیرین لذت بخش‌مان را که در سبوه‌های بزرگ و بر دوش سقا‌های حرفه‌ای به خانه‌مان آورده می‌شد، می‌نوشیدیم.

در آن حال و هوا که ما بچه‌ها هنوز خواب و بیدار بودیم، گه گاه می‌شنیدیم که کسی حلقه بر در می‌زند و دیگری با عجله می‌رفت تا در را باز کند که «آقا میرزا سیدعلی بیانی»^۲ که شب

* جواد صفی نژاد، نظام آبیاری سنتی در نائین، تهران، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، ۱۳۸۴

را تا صبح در طاق (پایگاه) حساب آب بیدار به سر برده بود، برای استراحت وارد شود و به خانواده خویش (در قسمتی دیگر از خانه) بپیوندند و ایشان از خاندان سادات نجیب نائین بودند. خدایش رحمت کناد مردی به غایت صحیح‌العمل و در عین حال بسیار پر کار بود، به طوری که در امر محاسبات آب و آبیاری قنات و کشتخوان جزیر هم‌کاری داشت. گاه یک شب و گاه یک شبانه روز و به ندرت دو شبانه روز پیایی این کار را به عهده می‌گرفت، در حالی که سراسر این مدت را باید بیدار می‌ماند!

کشتخوان جزیر منطقه‌ی وسیعی بود و در هر قسمت اطاقکی گنبد مانند برای حضور محاسب آب ساخته بودند. محاسب در آن جا می‌نشست و قدحی بزرگ پر از آب و نیز جامی کوچک‌تر که در ته آن با حساب‌های تجربی محلی منفذی تعبیه کرده بودند، اسباب کار او بود و جمع این دو «طاس و سنگره» نامیده می‌شد. آن چه به یاد دارم، طاس، علاوه بر منفذ زیرین دارای خطوطی موازی در بدنه‌ی داخلی بود که مقادیر مختلف از حجم آب را نشان می‌داد.

وقتی طاس پر می‌شد، در سنگره (طشت بزرگ آب) فرو می‌افتاد، محاسب آن را با تانی از آب خارج می‌کرد و تا بناگوش خویش بالا می‌برد و باز آن را بر روی آب داخل سنگره قرار می‌داد تا صاحب حقابه پایان آبیاری کشته خود را با آوای بلند به گوش او برساند، آن گاه در پاسخ او، حقابه‌بر بعدی که حضور داشت و در انتظار نوبت بود (و یا شخصی دیگر که حضور داشت)، به او پیام می‌فرستاد که آب را رها کن (به لفظ محلی سرش ده)، و هنگامی که آب به زمین بعدی می‌رسید با اعلام زارع مربوطه محاسبه آب‌برد او آغاز می‌شد. آن گاه مقدار آبی را که هر کس برده بود محاسب در دفتر مخصوص ثبت می‌کرد. این ثبت با ارقامی خاص صورت می‌گرفت که ظاهراً از ارقام حساب سیاق (با تغییرات تجربی محلی) برگرفته شده بود.

سال‌ها آرزو داشتم که این ارقام و این گونه محاسبه مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و خوش‌بختانه پس از سالیان این آرزوی کهنه توسط کمیته محترم آبیاری و زهکشی ایران و توسط نویسنده و محقق ارجمند جناب آقای جواد صفی نژاد تحقق یافته که جای خوشوقتی و سپاس فراوان است و امید والا برای ادامه آن دارم.

در این کتاب مطالب دانستنی و خواندنی و یادگرفتنی بسیار است که امید است فرصتی دیگر به دست آید و گفتنی‌ها ادامه یابد. آن چه را در این جا لازم است، برای مزید اطلاع نویسنده محترم می‌گویم و مطالب دیگر را برای فرصتی دیگر می‌گذارم. اولاً کوچه سکان که محل خانه

پدري و محل خانه‌های فامیلی امامی (امام‌جمعه‌ای) است، تا آن جا که من می‌دانم و می‌گفتند کوچهای از محله کلوان است، نه این که بنا به صفحه ۱۸ کتاب محله‌ای جداگانه باشد. ثانیاً ساخت منبر بزرگ تاجدارکم نظیر مسجد جامع نائین بنا به کتیبه سمت چپ منبر سال ۷۱۱ است. آن چه به یاد دارم، بنا به کتیبه سمت راست منبر با این عبارت «وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملک التجار، جمال الدین حسین بن مرحوم مبرور عقیف، هذا المنبر علی مسجد الجامع بلده طیبه نائین فی سنه عشر و سبعة مائه» توصیف شده و موقوفه جد خانوادگی امامی‌ها است که برای اطلاع بیش‌تر باید به کتاب *تاریخ رجال نائین* تالیف مرحوم آقای حسین امامی نائینی مراجعه شود.

این مطلب نیز بد نیست گفته شود که آب قنات ورزجان، پس از خروج از استخر معروف به سر آب مدرسه، اول بار درخانه مرحوم امام‌جمعه ظاهر می‌شود. این خانه زیبا، امروز از سوی خاندان امامی نائینی به بنیاد و سازمان میراث فرهنگی ایران در نائین هدیه شده و خوش‌بختانه پس از تعمیرات، هم اکنون با عنوان رسمی خانه امامی‌ها - در آن مراکز متعدد آموزشی فرهنگی دائر است.

این گفتار را با سپاس مجدد از شرکت محترم سهامی آب منطقه‌ای اصفهان و چهارمحال بختیاری و همچنین کمیته محترم ملی آبیاری و زهکشی ایران با امید قلبی خاتمه می‌دهم که اقدامی خدایسندانه و آبادگرانه و دلسوزانه برای احیای قنات‌های کهن و باستانی نائین که پس از قرن‌ها، متأسفانه در زمان حیات نسل ما به خشکی گراییده است، به عمل آید تا رنگ این شرمساری از چهره نسل ما زدوده شده و در پرتو آن از گسترش کویر و خسارت به مناطق آباد و مسکونی منطقه جلوگیری شود.

یادداشت‌ها

۱. از آن جا که رشته قنات ورزجان از عمق سطح خانه‌ی ما می‌گذشت، به ناچار برای بهره‌مندی از آب با خاکبرداری سطح باغچه‌ها را گود می‌کردند.
۲. مکرراً ایشان را در نشست مشترک با مرحوم حاج حسین عمو، نام‌برده در کتاب، دیدار کرده‌ام.